

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۰ جنوری ۲۰۲۰

سرنگونی طیاره فوق پیشرفته نظامی امریکا در غزنی آیا سانحه بود یا انتقام؟

چهارشنبه- ۰۹ دلو ۱۳۹۸- کابل: هرگاه شما هم در جریان دو روز اخیر به گزارشات داخلی و خارجی علاقه گرفته باشید حتماً متوجه شده اید که یکی از خبرهایی که در سرخط اخبار قرار داشت، سقوط یک طیاره نظامی امریکائی که عمدتاً جهت انجام وظایف استخباراتی و جاسوسی و ایجاد هماهنگی بین قوای پراکنده و متعدد زمینی با یک دیگر و قوای هوایی در کل مورد استفاده قرار می گرفت، در مربوطات ولسوالی "ده یک" ولایت غزنی که تحت کنترل طالبان قرار دارد، بوده است. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

در کل راجع به سقوط این طیاره دو احتمال وجود دارد: این که به اساس نقص فنی، ناتوانی و اشتباه تیم پرواز و بدون مداخله عنصر بیرونی سقوط نموده باشد، دیگری به وسیله دشمن یا از طریق حمله سایبری به سیستم کاری طیاره حمله صورت گرفته باشد و یا این که توسط راکت ضربت مرگباری بر آن وارد شده باشد.

۱- هرگاه بپذیریم که ادعای نظامیان امریکائی بعد از اما و اگر اولیه و حتا انکار حادثه، درست است و طیاره مذکور علی رغم قیمت گزاف و تکنولوژی فوق پیشرفته آن خود سقوط نموده است و مورد حمله دشمن قرار نگرفته است، گذشته از آن که این نکته را باید نیز باید بپذیریم که در افغانستان حتا طیارات فوق پیشرفته امریکائی نیز کارآیی لازم ندارند و امپریالیسم امریکا قادر نشده است زرادخانه تسلیحاتی اش را متناسب با شرایط افغانستان و مناطق مشابه آن تکامل دهد- امری که باعث شد تا روسها بعد از ده سال جنگ در افغانستان در ساختمان سلاح های شان متناسب با منطقه و ساختمان اراضی مانند افغانستان، تغییرات ژرفی به وجود آورند- این سؤال نیز بی پاسخ می ماند که چرا امریکائی ها بعد از آن همه اما و اگر، تعداد قربانیان این سانحه و هویت قربانیان را افشاء نمی نمایند؟

۲- هرگاه ثابت شود که طیاره توسط اصابت راکت سقوط داده شده است، بادر نظر داشت این که طیاره در فضای خیلی بلند پرواز می نمود، این را نیز باید بپذیریم که رقیبای دور و نزدیک امریکا، تصمیم گرفته اند همان بازی اواخر دهه ۸۰ قرن گذشته را که با دادن "ستنگر" علیه روسها آغاز نموده بودند، باخودش عملی نمایند. هرگاه قضیه چنین باشد، سؤالی که مطرح می گردد این است: آیا صرف یک عدد راکت داده شده است تا فقط امریکا را متوجه بسازند که اگر به سیاست های آنها تن ندهد چه در انتظارش است و یا این که تعداد راکت های اهدائی آنها بیرون از شمار است؟ که اگر چنین باشد باید پذیرفت که با زیر سؤال قرار گرفتن مزیت قوای هوایی امریکا و دولت دست نشانده، تلفات نیروهای زمینی شان فزونی یافته ناگزیر به فرار خواهند شد.

از تمام این ها مهمتر، هرگاه ثابت شود که طالب راست گفته و آنها این طیاره نظامی قیمتی را سرنگون کرده اند، عکس العمل امریکا در قبال قضیه چگونه خواهد بود. به خصوص عکس العمل امریکا علیه حامیان احتمالی طالب و آنهایی که راکت را در اختیار طالب گذاشته اند.

مهمتر از دادن راکت با چنان کیفیتی، هرگاه ثابت شود که طیاره فوق الذکر، از طریق یک حمله سایبری بر سیستم الکترونیک آن سرنگون شده است، مصیبت ارتش امریکا می تواند چند لایه بگردد، زیرا با در نظر داشت جنسیت طیاره، قیمت و وظایفی که انجام می داد، وقتی چنان طیاره ای نتواند در مقابل حملات سایبری مقاومت نماید، کار سایر طیارات که چنان پیشرفته نیستند، معلوم است که خیلی زار خواهد بود. از آن گذشته، وقتی حمله سایبری در میان باشد باید پذیرفت که حمله به وسیله یکی از کشور های خارجی "روسیه، چین، ایران و یا پاکستان" بایست صورت گرفته باشد. زیرا طالب خود فاقد چنان توانائی هائی می باشد.

۳- هرگاه در جمع کشته شدگان این طیاره "مایکل دی آندریا" ملقب به "آیت الله مایک" با اسم رمز "شاهزاده تاریکی" نیز وجود داشته است، سؤالی که به وجود می آید این است:

آیا رژیم ایران و متحدانش با زدن "آیت الله مایک" انتقام "قاسم سلیمانی" را گرفته اند؟ اگر چنین است آیا این انتقام گیری به موافقه امریکا و به غرض رسیدن به توافقات پشت پرده بین رژیم ولایت فقیه و امپریالیسم امریکا بوده و یا بدون توافق؟ در صورت دوم عکس العمل امریکا چه خواهد بود؟
هموطنان گرامی!

آنچه مسلم است امپریالیسم امریکا نمی خواهد در قضیه صادقانه و شفاف برخورد نموده، واقعیت ها را با مردم خودش و مردم جهان در میان گذارد. زیرا پذیرفتن نقص فنی و یا اشتباهات فردی هم منافعش را به خطر می اندازد و دخیل دانستن دست دشمن هم.

دیده شود چه می شود!